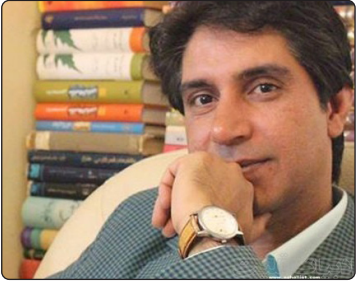


در یک کنفرانس مطبوعاتی که در مرکز اسناد ادبی اچ. بی. جاسین (مجتمع TIM، جا کارتا) برگزار شد نامزدان نهایی جایزه بریکس ۲۰۲۵ اعلام شدند. نام منصور علیمردی، نویسنده ایرانی، نیز در بین نامزدهای این جایزه است.

سخنرانان کنفرانس مطبوعاتی شامل ساستری بکری، هماهنگ‌کننده ملی شبکه ادبی بریکس در اندونزی، وادیم تریوخین، شاعر، چهره عمومی، هماهنگ‌کننده کل انجمن نویسندگان بریکس، معاون رئیس شبکه ادبی بریکس (روسیه)، گنجگار هریمانسپاه، دبیر آژانس توسعه و پیورش زبان (BPPB)، نیکیتا سرگیویت شیلیکوف، مدیر خانه روسیه و ایر، شادق یاسادبِق، عضو مجلس نمایندگان اندونزی بودند. سخنرانان بر نقش مهم این جایزه در تقویت همکاری های بشردوستانه، تقویت سنت های ادبی و ایجاد ارزش های مشترک بین کشورهای بریکس تأکید کردند. ساستری بکری در سخنان خود تأکید کرد: «ما مفتخریم که فهرست نهایی جایزه ادبی بریکس ۲۰۲۵ در اندونزی را اعلام کنیم. این جایزه نه تنها آثار ادبی برجسته از کشورهای بریکس را به رسمیت می شناسد، بلکه تبادل فرهنگی و همکاری بین کشورها را نیز تشویق می کند. به ویژه برای اندونزی، این فرصت ما را به جهان نزدیک تر می کند و میراث فرهنگی غنی ما را به مخاطبان جهانی معرفی می کند.»

وادیم تریوخین افزود: «جایزه بریکس فرصتی را برای نویسندگان معاصر از کشورهای مختلف فراهم می کند تا با آثار یکدیگر آشنا شوند، جایگاه خود را در فرآیند ادبی جهانی ارزیابی کنند و بهترین شیوه های همتایان خود را در حوزه های خلاقانه خود به کار گیرند. از همه مهم تر، ما به خوانندگان جهانی بینشی منحصر به فرد از توسعه و شخصیت ملی ملت هایمان ارائه می دهیم. این جایزه به توسعه همکاری های فرهنگی، غنی سازی متقابل گنجینه های ادبی و تقویت برادری، درک متقابل و دیپلماسی بین ملت ها کمک می کند.»

برنده جایزه ادبی بریکس در ۲۷ نوامبر در خاباروفسک روسیه اعلام خواهد شد و فهرست نهایی ۲۰۲۵ شامل ۱۰ نویسنده نماینده کشورهای بریکس است.



در جهانی که سرعت و صدا بر آن حاکم است، سکوت به مثابه عملی انقلابی ظهور می کند. در روزگار ما کلمات پیش از آنکه معنا شوند، مصرف می شوند. در شبکه های اجتماعی، مصاحبه های بی پایان و چرخه تولید محتوای فوری، صداها در هم می آمیزند و معنا زیر لایه های هیاهو دفن می شود. نویسنده به عنوان نگهبان کلمه و حافظه جمعی با پرسشی بنیادین روبه رو است: چگونه می توان در این جهان پرسر و صدا سخنی گفت که هم شنیده شود و هم در خواننده نفوذ کند و به یاد ماند؟ پاسخ شاید در مفهومی نهفته باشد که عصر دیجیتال آن را به حاشیه رانده: سکوت.

سکوت، در این معنا نه انزوا و نه خاموشی منفعلانه است، بلکه انتخابی آگاهانه برای تأمل، ته نشین شدن، تجربیات و جوشش کلمه از عمق وجود است. مفهوم سکوت در مقام شکلی از گفتن که نویسنده ی معاصر، برای حفظ اصالت خلاقانه و تأثیرگذاری پایدار خود ناگزیر است به عنوان تعادلی میان فشارهای رسانه ای بیرونی و نیاز به خلوت درونی برقرار کند. با تمرکز ویژه بر تأثیرات رسانه های دیجیتال و مصرف گرایی ادبی، سکوت آگاهانه ابزاری برای مقاومت در برابر تبدیل ادبیات به کالای مصرفی است.

سکوت در تاریخ ادبیات

سکوت در ادبیات مفهومی تازه نیست. نویسندگان بزرگ تاریخ از مارسل پروست که در اتاقی عایق بندی شده با دیوارهای چوبی و پنبه ای رمان عظیم در جستجوی زمان از دست رفته را نگاشت تا صادق هدایت که در انزوا ی خود بوف کور را فرید از سکوت به عنوان فضایی مقدس برای خلق معنا بهره جسته اند. پروست که بیماری راش را سال ها در گذراند، سکوت را نه به معنای فقدان که به معنای غنی سازی درونی می دید. او در نامه ای به دوستش رینالد نوشته: «برای نوشتن باید از جهان بیرون کناره گرفت، نه برای گریز که برای دیدن و شنیدن آنچه پنهان است. این دیدگاه، سکوت را نه به عنوان انفعال که به عنوان عملی خلاقانه تعریف می کند. در ادبیات ایرانی این مفهوم عمیق تر است. شاعرانی چون مولانا حافظ در خلوت عارفانه خود

اخبارادو مجموعه شعر، یکی با عنوان «نذر قرائت عاشقانه‌ها»

از نشر فرهنگان و «هی مطرب مهتاب رو/ پس کوشمه کلمات کو؟» از نشر مروارید به بازار کتاب آمده‌اند. این دو مجموعه حاصل کدام دوره از سرائش های شمايند و آيا به لحاظ فرم و محتوا در روند آثار شما جایگاه ویژه‌ای دارند؟

ممنون، بله. شعرهای پنج سال گذشته را مدت هایش به ناشران محترم سپردم. دایره بررسی کتاب با مأمَن نخستین مخاطبان، خیلی کند جواب داده و هنوز باقی راه مانده تا مجوز نهایی. بنابه برنامه فرهنگی این دهه خود، و کم کاری و بی تفاوتی ناظران بر کتب ارسانی، زمان به درازا کشید و از آن همه کار و کلمه، فعلا به دواثر، رخصت دیدار عمومی داده‌اند. اگر به آغازگاه های این راه و این روند اشاره کنم، باید بگویم این دوره سوم حیات شعر من است. دوره نخست؛ شعر موج تاب، دوره دوم؛ شعر گفتار و این مقطع نهایی، روزگار شعر حکمت است. در این زمینه و فرم و مضمون به دایره کتاب و بخش ممیزی و سانسور رسیده، دست نگه داشته‌اند. به سختی به این دو کتاب آخرم اجازه انتشار دادند. شعر حکمت، آخرین منزل ذهن و زبان من است که در فرمول «فرم» و شهود «مضمون» به دنیا آمده و معرفی شده. به همین دلیل شما نیز باتیزهوشی و دقت در دو دفتر اخیر من، چنین پرسشی مطرح کرده اید. در گذشته، جریان موج تاب و شعر گفتار، جایگاه شعر مرا تأمین می کردند، اما در این واپسین دوره، معجزه حکمت، موقعیت شعر، شاعر و مخاطب را تعیین می کند. در شعر حکمت، نه بر محتوامندی اصرار ورزیده می شود، و نه به شکل و فرم و ساختار با هر تعریفی، مهم خود شعر است. اندیشیدن علنی به این دوالیا، اسارت در چنبره نبود خلاقیّت است. به باور این سال های من: فرم همان محتوا، و محتوا همان فرم است. به شرطی که شاعر به آن مقام معین رسیده باشد. در این مورد، بحث های دهه پنجاه تا امروز در باب همین کشمکش، باطل ایاطیل است.

طیف زبان و فرم در سروده های «نذر قرائت عاشقانه‌ها» گسترده است و یک جور مجالده – اگر نگوییم عصیان – با تضادهای اجتماعی، تاریخی و حتی سیاسی در آنها احساس می شود.

تلفی حرفه ای شما درست است. به هرانجام این مجموعه‌ها، مولود هفتاد سالگی و اواخر شصت سالگی من است. همه تجارب من طی نیم قرن گذشته در همین دفترها نمود یافته است. ابلاغ بلوغ کلمات من!...

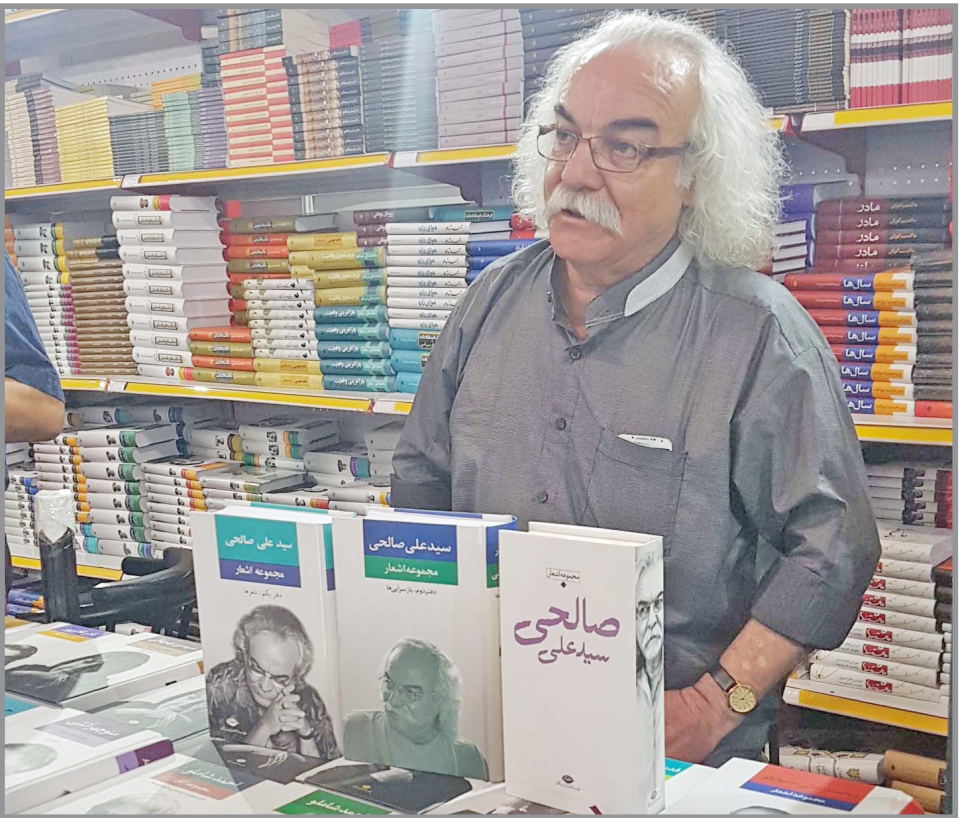
در «هی مطرب مهتاب رو...» رگه هایی از طنز، خودنمایی می کند که پنداری مواجعه منعطف تر و شاید رنده ای تر با تناقضات و نابهنجاری های اجتماعی دارد. درست نمی گویم؟

طنز ناخواسته، تحمیل تلقی ما از واژه هاست. طنز اجتماعی، دستاورد ظریف تقابل با ناهنجاری هاست. فاصله میان صادی و اندوه، یک خط باریک است. این خط باریک، همان جاذبه و جایگاهی است که طنز را به دنیا می آورد؛ به ویژه طنز اجتماعی. میراث همیشگی همان دوشیزازی در قرن هفتم و هشتم است؛ سعدی و حافظ! اگرچه طنز اجتماعی به نظر می رسد که ارمانغان مدرنیزم باشد، اما هوش سرشار، ایرانیان همواره در شکار طنز، پیشرو بوده است. جلوه ی طنز در شعر فارسی، از نقش «شعاد» در شاهنامه تا امروز، همچنان به حیات

سیدعلی صالحی در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد

اعتماد عمومی بر لبه پرتگاه!

انتشار «عهد عتیق» حق مردم است



آرمان ملی – هادی حسینی نژاد: معمولاًهالی هنر و ادبیات، دهه ششم و هفتم زندگی حرفه‌ای خود را به دور از ساختارشکنی و تجربه‌های جدید می گذارند و به تثبیت سبک و آثار خود بسنده می کنند؛ اما سید علی صالحی، یکی از ارکان موج ناب در پیشینه شعر معاصر ایران، تئوریسین شعر گفتار و شعر حکمت، در هفتاد سالگی هم برای خلق آثار جدید و تجربه های تازه، سر از پانمی شناسد. او به تازگی تولد دو مجموعه شعر جدید را جشن گرفته و در انتظار به بار نشستن شش دفتر شعر دیگر در بازار نشر است. با این وجود، از بلاتکلیفی چندین و چند ساله «عهد عتیق» به شدت آزرده است: اثر گران سنگی که خلق آن بیش از ۱۵ سال به طول انجامیده و همچنان مجوز انتشار پیدا نکرده. آنچه در ادامه می خوانید، حاصل گپ و گفت کوتاهی ست که پس از مدت ها و به مناسبت انتشار آثار جدید صالحی با او داشتیم.

پنهان و آشکار خود ادامه می دهد. زبان منعطف و هزارپهلوی پارسی، از ظرفیت ویژه‌ای برای کاشت و برداشت کلامی، برخوردار است.

هر مجلد، چندان سنگین نباشد. اما «عهد عتیق» که زحمت سنگین من در کهن سالی است، امیدوار بودم بدون «نامیدی» منتشر شود. هم ناشر محترم و هم من، فکر نمی کردیم بازسرای کتاب مقدس با اشکال روبه رو شود؛ آن هم اشکالی

در این حد و حدود غیر قابل باور! سیزده سال کار بازسرای و دو سال زمان برای پاکتویس نهایی! هر جای جهان چنین کاری به نتیجه می رسید، مورد تشویق قرار می گرفت. من تشویق نخواستم! امر هرگز، حق مرا بدید! انتشار و مجوز چنین زحمتی، حق شخصی من، حق شخصی ناشر و حق مردم کتابخوان است. من در گیرودار این داستان، نوعی لجاجت شخصی می بینم. «عهد عتیق» طوفانی از کلمات است. چاپ کتاب کهن سال «عهد عتیق» آزاد است، اما بازسرای آن ممنوع؟

تا آنجا که اطلاع داریم: ۶ دفتر شعر جدید هم در انتظار انتشار دارید. این تعداد عنوان تازه در این دوره زمانه... داستان چیست؟ شش دفتر در کمیت و شکل است. کل این کتاب، حدود هزار و پانصد صفحه تا هزار و هشتصد صفحه (زمان صحافی) را شامل می شود. محور اصلی این مضمون شش گانه، ادامه ذهن و تکمیل روند «حکمت» در بازسرای من است. این مجموعه در واقع یک دفتر به شمار می رود. ناشر محترم بنا به تدبیر همه جانبه، این مجموعه را در چند بخش آورده است. نهایت تلاش را کرده اند که قیمت



سکوت، شکل دیگر گفتن است

این تغییر است. این شعرها که اغلب در قالب های کوتاه و احساسی ارائه می شوند، برای جلب توجه سریع طراحی شده اند اما به ندرت عمق آثار شاعرانی مانند فروغ فرخزاد یا احمد شاملو را دارند. این روند، نویسندگان را به ساده سازی اثرشان ترغیب می کند که می تواند به سطحی شدن گفتمان فرهنگی منجر شود. با این حال، برخی نویسندگان در برابر این فشارها مقاومت کرده اند. محمود دولت آبادی در گفت وگویی با روزنامه ی همشهری گفته: «نویسنده باید با خودش تنها باشد تا بتواند با جهان سخن بگوید». مصرف گرایی ادبیات همچنین به تغییر در فرآیند انتشار کتاب منجر شده است. ناشران تحت فشار بازار دیجیتال از نویسندگان انتظار دارند که خودشان بخشی از بازاریابی اثر را به عهده بگیرند. در ایران این دید به در کمین های فشار اجتماعی را برای تبلیغ کتاب های جدید دیده می شود، جایی که نویسندگان باید وقت خود را صرف تولید محتوای تبلیغاتی کنند. این فشارها نویسنده را در موقعیت پارادوکسیکال قرار داده اند: رسانه های دیجیتال فرصت ارتباط مستقیم با مخاطب را فراهم کرده اند، اما به قیمت از دست رفتن عمق ادبی. سکوت آگاهانه راهی برای مقاومت در برابر این چرخه و بازسازی رابطه ی اصیل با کلمه است.

تمايز میان دو سکوت:

اما سکوت در ادبیات دو چهره متمایز دارد: سکوت آگاهانه که عملی خلاقانه و انتخابی برای غنی سازی کلام است و سکوت تحمیلی که نتیجه ی فشارهای بیرونی مانند سانسور، فشار اجتماعی یا مصرف گرایی دیجیتال است. این تمایز برای درک نقش سکوت در حفظ اصالت ادبی و مقاومت در برابر تبدیل ادبیات به کالای مصرفی حیاتی است. سکوت آگاهانه انتخابی است که نویسنده برای عمق بخشیدن به اثرش انجام می دهد. فرانتس کافکا که در انزوای خود مسخ و محاکمه را نوشت، نمونه ای برجسته از این نوع سکوت است. او در نامه ای به دوستش ماکس برود نوشته: «تنها در سکوت است که می توانم خودم را بشنوم» (کافکا، ۱۳۸۵). این سکوت، فضایی برای تأمل و خلق آثاری

بله. چند سالی از اشاره شما به انتشار قریب الوقوع «عهد عتیق» که بازسرای کتاب مقدس است، گذشته. پس خبری از انتشار نیست؟

نه، متأسفانه. ناشر آثار من، به هیچ نتیجه ای از سوی ارشاد نرسیده است. مدت مدیدی از این موضوع می گذرد. نه جواب می دهند و نه نقد و اصلاحی مثل بقیه آثار، خیلی عجیب است. زبان این کتاب را اعلام کنند! به همین دلیل معتقدم برخورد با این اثر، برخوردی سلبی است. من مرتب خبر از خروج این مجموعه از حصر می دادم، چون می دانستم و می دانم مشکلی ندارد. «عهد عتیق» نتیجه ی کار و کلام «یک عمر» من محسوب می شود. بازسرای این اثر خاص را در دهه ی شصت و البته از اواخر دهه ی پنجاه شروع کردم. ابتدا یک دفتر از کتاب مقدس را نشر نقره (شاعر و فیلمساز خلاق، محمدرضا صالحی) منتشر کرد. وقتی دیدم این دفتر برای شعر من راهگشاست، آرام آرام و با چند بار مرور و مطالعه کتاب مقدس (عهد عتیق) به این نتیجه رسیدم که باید دست به کار بزنم؛ کاری شبانه روزی، تا سرانجام بخش نخست آن آماده شد. به اهتمام مدیر محترم انتشارات نگاه، برای کتب مجوز راهی دایره کتاب ارشاد شد و متأسفانه همچنان چشم به راه مجوز... خیلی سخت است تو بازنده سال زحمت بکشی، بعد یک نفر روی آن خط بکشد، بایک «نه ای ناامید کننده.» «عهد عتیق» بنابه جنس و جان نثر کتاب مقدس، با شخصیت زبان آگائیک، یکبار دیگر به دنیا آمد. یقیناً بعد از بازسرای کتاب اوستا و سپس بازسرای عاشقانه های ابونواس اهوازی، این آخرین کار من است. من می توانم آثار ممنوع شده خود را در غرب منتشر کنم، اما مخاطب کثیر من در ایران است. نمی خواهم از زیارت آثارم در میهن محروم شوم. عهد عتیق، بزرگترین حاده ی حیات من و حیات شعر من است. مسئولان بررسی و دایره کتاب در روز رخنه ی نامبرده، مایل به انتشار نیستند. بگویند چرا در برابر این کتاب محترم... سکوت کرده اند! من زورم به کسی و جایی نمی رسد؛ به قولی، پارتی و آشنا هم ندارم. و هنوز هم به خود دلداری می دهم که شاید در دوره ریاست جمهوری آینده، و تغییر مقامات و مدیریت، این کتاب نجات یابد.

گرانی، تحریم، جنگ... به عنوان «شاعر مردم» و واضع اجتماعی را چطور می بینید؟

آدم نمی داند عصب کدام مقال را بخورد. گرانی کم رکشن، فرودستان را در تنگنا قرار داده است. بعد از مدتی، این بلارش کرد و دامن دیگر طبقات جامعه را هم گرفت. ما امیدوار بودیم این مصائب جایی متوقف شود، نشد که هیچ... سرعت سرسام آوری گرفته است. مجلس، رئیس جمهوری رانشان می دهد و به عکس! این مقصر نمایی برای مردم، نان نمی شود. خود «تقصیر» مقصر است؛ اختلاس، دزدی، فرصت طلبی و فشار از هزار سو! انتقاد هم که می کنی... تحریم از بیرون، تنبیه از درون، اعتماد عمومی را لب پرتگاه رسانده است.

با وجود چند بیماری لوج، همچنان در هفتاد سالگی هم با قدرت می نویسی و منتشر می کنی. چند سال است کار می کنی؟

اگر آغاز راه را چاپ نخستین شعرم بدانم، به صورت حرفه ای و رسمی از هفده سالگی، کار، نان و نوشتن، با این تفاوت که کار و نان، هدف من نبوده است، اجبار من بوده است و همه چیز در خدمت آفرینش، بیماری هایم آزار دهنده اند اما زورشان به من نمی رسد.



می گذارد. این امر نویسندگان را به تولید آثاری ترغیب می کند که به منطق بازار دیجیتال سازگارند نه با عمق ادبی. در برابر، سکوت آگاهانه به نویسنده امکان می دهد تا از این چرخه خارج شود و با تأمل آثاری خلق کند که نه تنها در برابر مصرف گرایی مقاومت می کنند، بلکه به گفت وگویی عمیق با مخاطب می انجامند. تمایز میان سکوت آگاهانه و تحمیلی، کلید درک چالش های نویسنده ی معاصر است. در حالی که سکوت آگاهانه به خلق معنا و حفظ اصالت ادبی کمک می کند، سکوت تحمیلی، چه از طریق سانسور و چه از طریق فشارهای دیجیتال، به حذف صدای نویسنده منجر می شود. نویسنده امروز باید با انتخاب سکوت آگاهانه در برابر این فشارها مقاومت کند و صدای اصیل خود را حفظ کند.

دعوت به سکوت آگاهانه

سکوت آگاهانه دعوتی است به بازگشت به خویشتن خلاق نویسنده. این سکوت، برخلاف خاموشی تحمیلی که با سانسور یا فشارهای دیجیتال ناشی می شود، فضایی برای تأمل و جوشش معنا فراهم می کند. نویسندگانی که با محدود کردن حضور دیجیتال خود، عمق ادبی آثارش را حفظ کرده اند، نشان می دهند که سکوت می تواند به خلق آثاری منجر شود که در برابر مصرف گرایی مقاومت می کنند. در ایران، این مقاومت به ویژه حیاتی است، جایی که نویسندگان با فشارهای دوگانه ی سانسور و انتظارات دیجیتال روبه رو هستند. سکوت آگاهانه، به نویسنده امکان می دهد تا از چرخه ی تولید محتوای سطحی خارج شود و به جای جلب توجه لحظه ای گفت وگویی عمیق با مخاطب برقرار کند. این دعوت به سکوت تنها برای نویسندگان نیست، که مخاطبان و فرهنگ عمومی را نیز در بر می گیرد. خوانندگان که به عصر دیجیتال به مصرف سریع محتواعت کرده اند، باید به خوانش تأمل برانگیز بازگردند. پلتفرم هایی مانند اینستاگرام و تلگرام با ترویج محتوای کوتاه فوری، تجربه ای ادبی را به سطحی ترین شکل خود کاهش داده اند اما خوانندگان می توانند با انتخاب آثاری که نیازمند تأملند، به بازسازی فرهنگ ادبی کمک کنند. این انتخاب به همان اندازه که برای نویسنده حیاتی است، برای خواننده نیز ضروری است زیرا ادبیات در بهترین حالت خود، گفت وگویی دوسویه میان خالق و مخاطب است.